

با نتایج ورزشکاران ایرانی در المپیک ۲۰۲۴ همه طراحی‌های امنیتی برای ایجاد گسل اجتماعی از مسیر ورزش شکست خورد

شکست ایران ستیزان در پاریس



علی ملکی
خیزگار گروه نقد روز

رسیدگی به مشکلات ورزشکاران در اولویت باشد

تلاش‌ها برای تضعیف تیم‌های ملی کشور در رشته‌های ورزشی ادامه پیدا کرد و برخی از ورزشکاران ایرانی به دلایل مختلف از ایران به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. روند افزایشی مهاجرت ورزشکاران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی را به فکر بررسی علل و عوامل آن انداخت. این مرکز در سال ۱۴۰۰ اعلام کرد ورزشکاران ما به چند دلیل کشور خود را ترک می‌کنند. ۱. برداختن افراطی مدیران ورزش به رشته فوتبال و کم‌اعتنایی به سایر رشته‌های ورزشی؛ مدال‌آور؛ توجه افراطی رسانه‌ها و متولیان ورزش به فوتبال و آژوسی دیگر، کم‌توجهی به سایر رشته‌های ورزشی؛ مدال‌آور موجب می‌شود که ورزشکاران ماهر و زبده آن رشته‌ها دچار ناامیدی شوند و نسبت به آینده ورزشی خود در کشور خوشبین نباشند. در نتیجه سوءمدیریت و عدم توجه به آنها می‌تواند منجر به مهاجرت‌شان شود. ۲. کمبود امکانات، زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی؛ طبق این مقاله، در ایران توزیع امکانات و زیرساخت‌های ورزشی مبتنی بر آمایش سرزمینی و نیاز واقعی نیست. احداث بی‌رویه استادبوم‌های فوتبال با حداقل بهره‌وری و کارآمدی برای ورزش کشور ضمن هدررفت منابع مالی کشور، مانعی برای تأمین زیرساخت، اقلام و تجهیزات دیگر رشته‌ها در ورزش‌های انفرادی است. سرمایه‌گذاری کشورهای مهاجرپذیر و رقیب در این عرصه و حمایت آنها از ورزشکاران مهاجر باعث می‌شود ورزشکار جهت بهره‌مندی از امکانات و تجهیزات ورزشی مناسب و تصور آینده ورزشی، شغلی و رفاهی بهتر از کشور خارج شود. همچنین وضعیت اقتصادی کشور، بی‌توجهی به مسائل معیشتی و شغلی ورزشکاران و فقدان پروتکل رفتاری مناسب بین ورزشکار قهرمان را به فدراسیون از جمله عواملی است که ورزشکاران را به فکر مهاجرت می‌اندازد. در این مقاله به یک عامل سیاسی برای مهاجرت ورزشکاران ایرانی اشاره شده و آن تلاش دولت‌های دیگر برای تعلق و تحریم ورزش کشور و جذب مدال‌آوران ماست. این امر از اصلی‌ترین کارورته‌های کمپین مسیح علی‌نژاد در سال‌های اخیر بوده است. با این وجود اما تلاش‌های خوبی برای حفظ سرمایه‌های ورزشی و ملی کشور در حال انجام است و با توجه به آمار نسبتاً قابل قبولی که ورزشکاران مان در فرانسه رقم زدند، انتظار می‌رود مسائل و چالش‌های حرفه‌ای آنها پیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

رژیم صهیونیستی در المپیک پاریس هم طرد شد

به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی موضوع مهمی بوده و دهه‌ها ورزشکاران ایرانی با ممانعت از مصاف با ورزشکاران متعلق به این رژیم، اعتراض خود را نسبت به جنایات آنها اعلام می‌کنند. ورزشکاران رشته‌های مختلف در کشور ما هم در طول دهه‌های اخیر حمایت از مردم فلسطین را به عنوان یکی از اولویت‌های زیست ورزشی خود قرار داده‌اند. آرش میراسماعیلی، ملی‌پوش سابق و رئیس فعلی فدراسیون جودو در المپیک ۲۰۰۴ آتن با عدم رویارویی مقابل نماینده رژیم صهیونیستی، قید مدال طلا را زد. پس از آن هم ورزشکاران مختلفی این کار را تکرار کردند. در سال ۲۰۲۱ زمانی که علیرضا جهانبخش در تیم فوتبال فاینورد بازی می‌کرد، در مسابقات لیگ کنفرانس اروپا ۲۰۲۱ مقابل نماینده رژیم صهیونیستی حاضر نشد. در این دیدار فاینورد همزمان تیم مکابی حیفا اسرائیل بود که جهانبخش تیمش را در سفر به سرزمین‌های اشغالی همراهی نکرد. اما در جهان فقط ایرانی‌ها نبودند که از دادن مسابقه با رژیم صهیونیستی سرباز زدند، در المپیک پاریس ورزشکار الجزایری دقیقاً در همین رشته جود اعلام کرد که با رقیب صهیونیستی خود دیدار نخواهد کرد و از دور رقابت‌ها کنار رفت. دیپلماسی ورزش در سال‌های اخیر می‌توانست بهتر از اینها عمل کند و با همان مفاد موجود بین‌المللی جلوی هم‌گروهی شدن یا رقابت ورزشکاران ایرانی را با ورزشکاران رژیم صهیونیستی بگیرد اما متأسفانه در این نقطه ضعیف عمل کردیم. کمپین‌های ضدایرانی نیز با تکیه بر این موضوع، لابی‌های صهیونیستی تمام تلاش خود را برای پیروزی بر ورزشکاران ایرانی خارج از زمین مسابقه کردند. همان‌طور که اشاره شد این تلاش‌های آنها در سال ۹۸ نتیجه داد و فدراسیون جودو به مدت ۴ سال تعلیق شد.

تلاش برای مهاجرت شکست خورد

امروز اما فرزندان ایران در المپیک ۲۰۲۴ فرانسه حضور دارند. آنها تا لحظه تنظیم این گزارش دو مدال طلا، دو نقره و دو برنز کسب کردند و

افتخارآفرینی ورزشکاران ایرانی در المپیک پاریس غرور ایرانی‌مان را به وجد آورده است

شب‌های آریتمی شدن

عطیه همتی
دیپلرگروه نقد روز

المپیک دارد به روزهای خوب و خوشگوش نزدیک می‌شود. به روزهایی که برای رنگ مدال‌ها می‌جنگیم و قرار است ساعت به ساعت در جدول المپیک بالابرویم و پز ایرانی بودن مان را به کشورهای بدهیم که در خارج از ورزش شاید زورمان به آنها نرسد اما اینجا روی تشک کشتی، روی شنیاچانگ می‌رسد. خوب هم می‌رسد. تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان بهتر از سال‌های قبل مدال آورده است. دختران تکواندوکار ایرانی دو نماینده داشتند و هر دو با مدال روی سکورفتند تا هم رنگ مدال زنان در تاریخ المپیک را ازتقا بدهند هم تعداد مدال‌هایشان را. اگر روزی دخترهای تکواندو دوست ایرانی دنبال هادی ساعی شدن ورژن دختران بودند، این روزها دختربچه‌های خردسال ایرانی که جلوی تلویزیون دارند عاشق تکواندو می‌شوند عکس‌های تازه‌ای از دختران قهرمان ایران دارند تا پوستر اتاق‌شان شود.

ورزش دوباره نشان داد می‌تواند هم عرض سیاست و حتی بیشتر، قدرتمند باشد و شاید تنها عرصه‌ای است که می‌تواند تمامی گروه‌های سیاسی و اقلیت و طیف‌های مختلف مردم را این‌طور کنار هم قرار دهد و همه را زیر یک پرچم و نام بلند ایران جمع کند. این را می‌توان از واکنش‌های مختلفی که به خبرهای منتشرشده از رقابت‌های ورزشی اتفاق می‌افتد مشاهده کرد. به‌طور مثال بعد از میزبانی پرحرف‌وحدیث فرانسوی‌ها در ایام المپیک و پخش شدن تصاویر و فیلم‌هایی از سوی ورزشکاران تیم‌های مختلف به کیفیت پایین هتل ورزشکاران و حتی محل استراحت‌شان، شناگر ایتالیایی تصمیم گرفت برای اعتراض به وضع موجود یک شب را در پارک دهکده بخوابد! پخش شدن چنین خبرهایی از المپیک حساسیت‌ها به محل استقرار تیم ملی ایران را زیاد کرد تا اینکه خبر رسید فدراسیون کشتی برای ورزشکاران خود هتل جداگانه‌ای از دهکده گرفته تا پهلوانان ایرانی بتوانند با کیفیت‌تری در رقابت‌ها شرکت کنند و کشتی‌مانند همه‌ادوار المپیک خوش‌رنگ‌ترین مدال‌ها را برای کاروان ایران به ارمغان بیاورد.

پخش شدن اخبار و فیلم‌هایی از فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران و مجهز بودن آن به مدرن‌ترین امکانات ورزشی نیز نه‌تنها با واکنش‌های منفی همراه نشد بلکه بسیاری از کاربران ایرانی از فدراسیون کشتی تشکر کردند؛ چراکه کشتی همواره توانسته نام و پرچم ایران را بر فراز مسابقات جهانی و المپیک برافراشته کند. هم‌زمانی انتشار این تصاویر و اخبار با مدال‌آوری فرنگی‌کاران و همچنین دختران تکواندوای ایران این خواسته را می‌تواند مطرح کند که چه بسیار خوب است برای مدال‌آوران و قهرمانان ایرانی که تا جای برای نام ایرانی می‌جنگند، بیش از اینها هزینه شود تا این افتخارات در عرصه‌های جهانی بیشتر و بیشتر شود. واکنش‌های مثبتی که شاید برای دیگر ورزش‌ها شاهد آن نیستیم و چه بسا همیشه مردم اعتراض داشتند که چرا ورزشکاران مدال‌آور کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

چندشب گذشته ضربان قلب بسیاری از ایرانی‌ها نامنظم زده است. برای برخی ورزش‌ها اگر کمی و فقط کمی بیشتر مایه گذاشته بودیم ایران قهرمان مان روی سکوی المپیک ایستاده بود و پرچم پرافتخارمان را بالا برد و بیوز و باز ما یکدیگر را به خاطر این قهرمانی در آغوش گرفته بودیم، رضا علی‌پور، صخره‌نورد نام‌آور کشورمان که تمامی صخره‌نوردان جهان از روی دست او نگاه می‌کنند، به صدم ثانیه‌ها باخت و شاید اگر علیپور نیز محل تمرینی نزدیک به کلاس جهانی خودش داشت، می‌توانست بهترین نشان ممکن را از المپیک به نام ایران ثبت کند اما او در تنهایی خود، جایی تمرین کرد که آن را هم خودش برای خودش ساخته بود.

بی‌اغراق ورزش درست همان‌جایی است که بسیاری از کودکان و خردسالان تازه با رنگ پرچم‌شان آشنا می‌شوند و وقتی ورزشکار با پرچم دور افتخار می‌زند، می‌فهمند که غرور و افتخار ملی یعنی چه و چیزی در رگ‌هایشان می‌جوشد که دوست دارند خودشان در آینده تجربه کنند. آنچه ورزش قهرمانی به ملت‌ها هدیه می‌دهد تا سرشان را بالا بگیرند و به خود بالند را کمتر قدرت دیگری در خود دارد. به خصوص آنکه در تورنمنت‌های ورزشی در لحظه‌ای واحد میلیارد‌ها انسان به یک نقطه و به شکل همزمان خیره می‌شوند و آن ملتی از غرور به خود می‌بالد که ورزشکارش مسابقه را می‌برد. از روی همین است وقتی می‌شنویم بلیت بازی‌های کشتی‌گیران ایرانی به خصوص حسن یزدانی در پاریس به بازار سیاه رسیده، خون توی رگ‌هایمان می‌جوشد. ما بسیاری از مردمان جهان را به آدرس ورزشکاران‌شان می‌شناسیم و به خاطر ورزشکاران‌شان برامان محبوب یا منفور شده‌اند یا حتی اسم کشورشان را یاد گرفته‌ایم که اگر شاید ورزشکارشان نبود هیچ اسم یا نشانی از آنها نمی‌دانستیم. حالا بعد از سال سختی که آغاز کردیم و حوادث سختی که پشت سر گذاشته‌ایم، ورزش دوباره این فرصت را به ما داده که کنار هم بنشینیم و پرچم را روی شانه‌هایمان بیندازیم و برای ایرانی‌ها بکشیم که دو سال قبل می‌خواستند، تیم‌های ملی‌اش را، پرچمش را و حتی سرودش را از همه جا حذف کنند و ورزشکارانش را تهییج به مهاجرت یا ایستادن روبه‌روی کشورشان کنند. اما امروز ایران مادر واپسین روزهای المپیک پشت هم مدال می‌گیرد و ورزشکاران ایران بعد از بردن مسابقه‌هایشان و جشنیدن بهترین لحظات زندگی‌شان از مری‌ها درخواست پرچم می‌کنند و سکانس پایانی حضورشان در میدان نبرد را با پرچم پرافتخار ایران تمام می‌کنند و با زرمه سرود ملی کشورشان به دوربین‌های بین‌المللی زل می‌زنند.

حتی مهران برخورداری تکواندوکار جوان ایرانی فینالیست شده است. ایران در این رقابت‌ها از بین ۸۰ کشور حاضر فعلاً در جایگاه ۲۱ام قرار گرفته است. ایران تا این لحظه چهارمین تیم آسیا و تیم اول منطقه است و بالاتر از کشورهایمانند ترکیه ایستاده است. عربستان سعودی با وجود هزینه‌های بسیار روی ورزش خود هنوز به جدول رقابت‌ها راه نیافته است. تلاش‌های کمپین‌های ضدایرانی برای تحریم ورزش ایران از تمام مسابقه‌های ورزشی شکست خورده است. با تدبیرهای انجام‌شده از سوی مسئولان ورزشی کشور حتی برخی از ورزشکارانی که با تهییج رسانه‌ها به اشتباه وارد کارزارهای سیاسی شده بودند مدیریت شدند تا تلاش‌ها برای قرارداد ورزشکاران ایران و ترغیب آنها به مهاجرت یا ایستادن روبه‌روی نظامی سیاسی کشور شکست بخورد؛ ورزشکارانی که حتی برخی از آنها نیز در این رقابت‌ها شرکت کردند و مورد حمایت و محبت مسئولان کشور قرار گرفتند و توانستند بهترین نتیجه ممکن را بگیرند.

غرور ملی تقویت شد

بازی‌های آسیایی هانگکاو و جام جهانی ۲۰۲۲ فرصت دیگری در اختیار جریان‌های ضدایرانی قرارداد تا دوباره بتوانند اهداف خود را دنبال کنند. یکی از پروژه‌هایی که در آن بازه دنبال شد تحت فشار قرار دادن ورزشکاران برای بی‌اعتنایی به نمادهای ملی بود. در آن سال حتی ورزشکارانی که با پرچم کشور عکس می‌گرفتند را تحت فشار روانی قرار می‌دادند. تصاویر ورزشکاران از نماهای دور و نزدیک را در رسانه‌های خود پخش می‌کردند تا بگویند فلان شخص سرود ملی نخواند. امروز اما در المپیک پاریس این ایده را هم شکست خورده می‌بینیم. مبینا نعمت‌زاده، تکواندوکار اعزامی تیم ملی کشورمان در رقابت با حریف خود پیروز شد و مدال برنز را از آن خود کرد. بلافاصله پس از پایان زمان مسابقه و اعلام برنده‌شدن او، اولین فریمی که از مهرورز ساعی، مربی نعمت‌زاده دیدیم اشاره به این بود که «پرچم» را به او بدهند. ناهید کبانی دیگر تکواندوکار کشورمان هم که در ماجرای ۱۴۰۱ نسبت به برخی مسائل معترض بود پس از پیروزی مقابل حریف خود و دریافت مدال نقره، بهترین ورزشکار زن ایران در تاریخ المپیک شد. او پس از کسب این مدال و تاریخ‌سازی خود با پرچم ایران دور افتخار زد تا ورزشکاران مان در این رقابت‌ها مهر خاموشی بر پروژه‌های ضدایرانی بزنند. تورنمنت‌های بین‌المللی نه فقط برای ایران بلکه برای همه کشورهای جهان فرصتی برای ایجاد چیزی به نام غرور ملی است. هنوز تصاویر حضور جمعیت میلیونی در خیابان‌های آرژانتین بعد از قهرمانی‌اش در جام جهانی از خاطره تاریخی مردم پاک نشده است. در این جنس پیروزی‌ها شکاف‌های اجتماعی، اختلاف سلیقه‌ها و حتی اختلافات سیاسی بی‌معنی می‌شود و شادی ملی و یکپارچگی در میان تمام مردم جامعه به وضوح قابل مشاهده است. بر همین اساس پیروزی‌هایی که در صحنه‌های بین‌المللی به نام ایران ثبت می‌شود جدای از اینکه رزکنینگ و رتبه ایران را در کارزهای بین‌المللی بالا می‌برد، یک جنبه اجتماعی هم دارد که تأثیر آن عمیق‌تر و بیشتر از مدال‌آوری در کارزارهای بین‌المللی است. در روزهایی که احوال جامعه به خاطر ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ خوب نبود و جامعه در دو قطبی‌ترین شکل خود قرار داشت یک پیروزی در جام جهانی می‌توانست احساس خوب یکپارچگی ملی را به مردم یادآوری کند. با علم به اثر اجتماعی این احساس خوب بود که رسانه‌های فارسی‌زبان تلاش کردند تا جای ممکن از شکل‌گیری احساس ملی‌جولگری کنند تا آنجا که حتی با یک‌بازکنان تیم ملی نیز در فضای روانی به وجود آمده نتوانند عملکرد خوبی داشته باشند. پیروزی در کارزارهای ورزشی از رقابت تمام‌عیار کشورها مقابل یکدیگر به دست می‌آید. در این میان حتی شکست در این کارزارها هم به اندازه پیروزی اثرگذار است. وقتی تمام مردم یک کشور از یک باخت غمگین می‌شوند موضوع اصلی همچنان امری ملی است و یک ملت را درگیر خود می‌کند. شاید نظیر این یکپارچگی را حتی ننوان در جنگ‌ها و درگیری‌های مستقیم پیدا کرد؛ چراکه در مقایسه با هزینه یک جنگ پیروزی‌های ورزشی غرور ملی و یکپارچگی را با هزینه‌ای کمتر از وارد شدن به یک جنگ و ادامه مسیر آن برای یک کشور به همراه می‌آورند. شاید ارزش و اهمیت این امر ملی پیش از بروز ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ آن‌طور که باید مورد توجه قرار نداشت، اما حالا بعد از گذر از پهمپژ خوبی منفی رسانه‌های فارسی‌زبان و تلاش برای ضربه زدن به آن به خوبی درک می‌شود که این احساس غرور ملی تا چه اندازه می‌تواند در ترمیم شکاف‌های اجتماعی موثر باشد.